

بررسی تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی

محمدجواد رنجکش*

عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷-تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۳۱)

چکیده

با توجه به اهمیت روزافزون فرهنگ در روابط بین الملل و تأثیرگذاری این مؤلفه در کشورهای مختلف و به ویژه اثربخشی عناصر فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی از جمله زبان، تاریخ، دین و اشتراکات فرهنگی دیگر، نگارنده با چارچوب نظریه ی قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی و روش پژوهشی توصیفی-تحلیلی با رویکرد مقایسه ای به این پرسش اساسی پرداخته است که عملکرد دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در منطقه ی آسیای مرکزی طی سالهای ۱۹۹۱-۲۰۱۴ از چه وجوه همسان/ناهمسانی در الگوی ساختاری و الگوی اجرایی برخوردار بوده است؟ فرضیه ی مقاله بر این مبنای قرار دارد که با توجه به همسانی/ناهمسانی الگوی ساختاری و الگوی اجرایی دیپلماسی فرهنگی دو کشور ایران و ترکیه، شباهت/تفاوت هایی در کاربرد ابزارهای دیپلماسی فرهنگی دو کشور همچون نحوه استفاده از ابزارهای رسانه ای، آموزش زبان ملی، برپایی نمایشگاههای فرهنگی و تصویرسازی مثبت از وجهه ی ملی در آسیای مرکزی وجود دارد. یافته های پژوهش علیرغم همانندیها و ناهمانندیهای دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در کشورهای آسیای مرکزی، به عملکرد اثربخش دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان و همچنین موفقیت نسبی ترکیه در قزاقستان اشاره دارد. چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر نظریه ی قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی می باشد.

کلید واژه ها

دیپلماسی فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، آسیای مرکزی، الگوی ساختاری و الگوی اجرایی.

مقدمه

وجود موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه ی آسیای مرکزی، استقرار در نزدیکی تقاطع آسیا و اروپا، دارا بودن مخازن بزرگ انرژی دنیا، بازار مصرف انبوه و رو به رشد و تمایل این کشورها برای حضور قدرت های منطقه ای با هدف کاهش وابستگی به روسیه و جذب سرمایه گذاری خارجی و توسعه ی اقتصادی باعث حضور قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای همچون ایران، ترکیه، چین، و آمریکا در منطقه گردیده و هر یک به دنبال نفوذ و کسب قدرت می باشند. یکی از این تلاش ها، نفوذ فرهنگی است. ایران و ترکیه به واسطه ی رقابت طولانی مدت تاریخی با یکدیگر از امتیاز ویژه ای جهت مطالعه ی عملکردی در این منطقه برخوردار می باشند. آنچه در این پژوهش مورد علاقه ی پژوهشگر می باشد آن است که دو کشور ایران و ترکیه به لحاظ همسانی / ناهمسانی هایی که در الگوی ساختاری و الگوی اجرایی دیپلماسی فرهنگی خود به طور کلان دارند، از وجوه شباهت / تفاوت هایی نیز در اعمال دیپلماسی فرهنگی خود در منطقه ی آسیای مرکزی به طور ویژه برخوردار می باشند. از این رو پرسش این است که کاربست ابزارهای دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در منطقه ی آسیای مرکزی طی سال های ۱۹۹۱-۲۰۱۴ از چه وجوه همسان / ناهمسانی در الگوی ساختاری و الگوی اجرایی برخوردار می باشند؟ انگاره ی اولیه آنکه به نظر می رسد با توجه به همسانی / ناهمسانی الگوی ساختاری و الگوی اجرایی دیپلماسی فرهنگی دو کشور ایران و ترکیه، شباهت / تفاوت هایی در کاربرد ابزارهای دیپلماسی فرهنگی دو کشور همچون ابزارهای رسانه ای، آموزش زبان ملی، نمایشگاه های فرهنگی و تصویرسازی مثبت وجهه ی ملی در آسیای مرکزی وجود دارد.

۱. پیشینه ی تحقیق

در زمینه آثار مرتبط با این پژوهش باید به آثاری همچون عباس کشاورز شکری و همکاران «دیپلماسی فرهنگی ایران در خاورمیانه؛ تحوّل ارتباطات و لزوم کاربرد ابزارهای نوین» در فصلنامه ی مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ی ۲۳، رضادهدقانی «الگوهای ساختاری و اجرایی دیپلماسی فرهنگی ترکیه»؛ جوادی ارجمند «تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران» فصلنامه ی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ی ۳؛ رضایی، مقاله ی «نقش انجمن های دوستی در توسعه دیپلماسی فرهنگی در فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام»، شماره ی ۵؛ خانی در مقاله ی «نقش فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در طراحی و پیشبرد دیپلماسی»؛ کیانی و وحید «جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی ایران در برنامه چهارم توسعه» در مجله ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ابوالحسن شیرازی در مقاله ی «توسعه مناسبات ایران و آسیای میانه راهبردها» نشریه جغرافیا و توسعه شماره ۵؛ علویان، در مقاله ی «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و آسیای میانه» نشریه ی علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، شماره ی ۴۶؛ نوروزی، در مقاله ی «تقابل ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز» در نشریه ی راهبرد شماره ی ۱۷، توپسرکانی در مقاله ی «تحلیلی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آسیای میانه در مقایسه با خاورمیانه» در نشریه ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ی ۶۷، اشاره نمود. لیکن اثر مستقلی که به مقایسه ی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه از منظر رهیافت این پژوهش پرداخته باشد، دیده نمی شود.

۲. قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی عمومی نشأت گرفته از مبحث قدرت نرم جوزف نایاست. وی این فرضیه را به چالش کشید که قدرت نرم آمریکا در حال افول است و به جای آن استدلال کرد که قدرت آمریکا به مراتب از اینکه مشهود است، جامع تر است. نکته کلیدی نای این بود که دردنیای با وابستگی متقابل روزافزون، منابع قدرت سخت از جمله دارایی ها نظامی و اقتصادی از سودمندی و کاربردپذیری کمتری نسبت به آنچه که آنها در دوره های اولیه سیاست بین الملل داشته اند برخوردارند. طبق نظر نای، قدرت نرمی عنی قدرت مرتبط با جذب دیگران و واداشتن آنها به خواسته هایی که مورد نظر شماست. نتیجه تلاش اولیه نای در روشن کردن مفهوم قدرت نرم، توسعه تعریفی از قدرت نرم به عنوان شکلی عامل محور از قدرت است که بواسطه مکانیسم جذابیت اعمال می شود. (پارمر، کاکس، ۱۳۹۰، ۷۳-۶۹)

نای قدرت را توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای رسیدن به نتایج مطلوب می‌داند (Nye, 1990, 25; 2002, 4-5; 2004, 1-5). از این دیدگاه قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع پدید آید: فرهنگ آن کشور (آن بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است)؛ ارزش‌های سیاسی (در مواردی که در داخل و خارج کشور مورد توجه باشند)؛ و بالآخره سیاست خارجی (نای، ۱۳۸۹، ۵۱). از دیدگاه جوزف نای قدرت سخت و نرم با یکدیگر در ارتباط می‌باشند زیرا هر دو، جنبه‌هایی از قابلیت دستیابی به هدف، به وسیله تأثیرگذاری در رفتار دیگران می‌باشند. دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم است جوزف نای معتقد است اگر قدرت نرم از فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی ملتی ناشی می‌شود، پس دیپلماسی عمومی ابزاری است که حکومت‌ها برای بسیج منابع (قدرت نرم) برای ارتباط و جذب مردم کشورهای دیگر و نه صرفاً حکومت‌ها از آنها استفاده می‌کنند (Nye, 2008, 95).

کسب وجهه و اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی و یا به تعبیری، دسترسی به قدرت نرم از جمله اهداف مهم و درعین حال تصریح نشده‌ی دیپلماسی کشورها در حوزه‌ی سیاست بین‌الملل است که این مهم به تناسب موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی هر کشور به شیوه‌ها و مکانیسم‌های مختلف، تعقیب می‌گردد. فرانک نینکویچ، دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم نامه‌ها و توافقاتی بر اساس ارزش‌های مشترک می‌داند (Ninkovich, 1996: 3). این در حالی است که بنا به تعریف گیفورد مالون، دیپلماسی فرهنگی عبارت از معماری یک بزرگراه دوطرفه، به منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و در عین حال، تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملل‌ها و فهم ارزش‌های آن است (Malone, 1988: 12).

دیپلماسی فرهنگی، همچون سایر انواع دیگر دیپلماسی‌ها، از طریق ابزارها و سازه‌هایی تحقق می‌یابد که اهم آن عبارتند از: رسانه‌های جمعی همانند: روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، صفحات نوری، ویدئو، سایبر دیپلماسی و اینترنت، تقویت محافل و تبادل علمی و دانشگاهی فراملی، ایجاد مراکز فرهنگی در خارج از کشور، و گسترش زبان ملی کشور (شرف‌الدین، ۱۳۸۵: ۳۴۹).

برای درک بهتر ماهیت دیپلماسی فرهنگی ضروری است به دو اصل مهم الگوی ساختاری و الگوی اجرایی اشاره شود. الگوی ساختاری ناظر به اولویت‌ها و عناصر قوام بخش دیپلماسی هر کشور است که از سنت، زبان، تاریخ و آرمان‌های آن کشور نشأت می‌گیرد، ضمن اینکه واجد زبان مشترک و اجماع فرهنگی برای گفتگو با سایر فرهنگ‌ها و ملل است؛ به تعبیر دیگر الگوی ساختاری حاصل اهداف، توانمندی‌ها و داشته‌های فرهنگی هر کشور است که به مرور شکل رویه و ساختار پیدا می‌کنند اما باید در نظر داشت که الگوی ساختاری درون‌مایه خود را از فرهنگ می‌گیرد و از آن جایی که تحول فرهنگ‌ها نسبت به تحول عناصر تمدن بطیء و کند است. این ویژگی در مورد ساختار دیپلماسی فرهنگی هم مصداق پیدا می‌کند که بازاین تحول کند و تدریجی به معنای صلب و تغییرناپذیر بودن ساختار دیپلماسی فرهنگی نیست و دولت‌ها می‌توانند ساختار دیپلماسی فرهنگی خود را مطابق با مقتضیات نظام بین‌الملل بازبینی، ترمیم و ساماندهی کنند، یا حتی ممکن است چنین تغییراتی در طول زمان برای دولت‌ها حاصل شود (حقیقی، ۱۳۸۸: ۳۴۸).

اما الگوی اجرایی معطوف به الگوها و سازوکارهای عملی شدن الگوی ساختاری است. در الگوی اجرایی است که ساختارها و رویه‌ها امکان عملی شدن می‌یابند و میزان انطباق‌پذیری و اجرایی شدن آن‌ها در حوزه‌ی عمل سنجیده می‌شود. در حقیقت الگوهای ساختاری دیپلماسی فرهنگی بدون ساز و کارها و الگوهای مناسب اجرایی هیچ‌گاه نمی‌توانند فرصت بروز یابند (حسن‌خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۹). نکته‌ای که باید در خصوص الگوهای ساختاری و اجرایی باید مورد توجه قرار گیرد آن است که تفکیک دیپلماسی فرهنگی در دو حوزه‌ی ساختار و اجرا به معنای تفکیک ماهوی آن‌ها نیست چرا که وجود هیچ‌یک بدون دیگری امکان‌پذیر نیست و در همراهی این دو اصل است که پدیده‌ی دیپلماسی فرهنگی شکل می‌گیرد، علاوه بر این الگوهای ساختاری و اجرایی بر یکدیگر تأثیر متقابل و دو سویه دارند

به نحوی که ساختارها و اصول دیپلماسی فرهنگی تنها در اجرا است که امکان بروز و ظهور می یابند و از طرف دیگر بازخورد اجرا در اصلاح و بازنگری پاره ای از عناصر الگوی ساختاری دیپلماسی فرهنگی می تواند مؤثر و نقش آفرین باشد.

۳. دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی

در میان حوزه های همسایگی، آسیای مرکزی بیشترین قرابت های تاریخی، زبانی و فرهنگی را با ایران دارد. مسلمان بودن مردم منطقه و داشتن بیش از ۱۵۰ کیلومتر مرز مشترک با ترکمنستان موقعیتی کم نظیر را برای ایران ایجاد کرده است. بیش از هزار سال نفوذ فرهنگی و سیاسی در میان ملت های آسیای مرکزی و قفقاز برگ برنده دیگری است که نقش برجسته ی ایران را در منطقه تحکیم بخشید. در واقع اگرچه ترکی، زبان اداری و دولتی آسیای مرکزی محسوب می شود، اما زبان فرهنگی تا دوره ی شوروی اساساً فارسی بود. اغلب مردمان آسیای مرکزی به طور سنتی به دو زبان ترکی و فارسی تعلیم دیده اند. همچنین مجاورت جغرافیایی و تجربه ی زندگی مشترک طولانی با ملل منطقه، سبب گشته تا فرهنگ ایرانی، فرهنگ «طبیعی» غالب در آسیای مرکزی قلمداد شود (نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۲۷). شهرهای آسیای مرکزی همانند بخارا، سمرقند، بلخ، مرو، خیوه و خوارزم به عنوان مراکز هنر و علوم ایرانی، مقام الایی در ادبیات فارسی دارند (نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۳۰). همه ی این موارد از یک نفوذ دیرینه ی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز حکایت دارد که بازیابی و انطباق آن با مقتضیات کنونی می تواند در معرفی مطلوب نقش منطقه ای ایران و نحوه ی اجرای آن بسیار مؤثر افتد. در ذیل به عملکرد دیپلماسی فرهنگی ایران در پنج کشور آسیای مرکزی به طور جداگانه پرداخته و سپس جمع بندی از نحوه ی عملکرد ایران در این منطقه خواهیم داشت.

۱-۳. دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قرقیزستان

روابط فرهنگی دو کشور در سال ۱۳۷۱ بیشتر در راستای آشنایی با امکانات یکدیگر و ارائه ی پیشنهادها همکاری بوده است. برگزاری اولین نمایشگاه فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی ایران در بیشکک، نخستین تجربه در ارائه ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در جمهوری قرقیز بوده است و همچنین سفر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران در اواخر فروردین ماه ۱۳۷۲ نقطه عطفی در تاریخ روابط دو کشور جهت ایجاد زمینه و توسعه ی هرچه بیشتر مناسبات فرهنگی، علمی و آموزشی به شمار می رود. از نتایج این سفر ایجاد زمینه جهت امضای یک تفاهم نامه ی توریستی طی سفر آقای، رئیس جمهور وقت قرقیزستان به تهران در خردادماه ۱۳۷۲ بوده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷: ۱۸۴). ضمناً طی سفر آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت، در مهرماه سال ۱۳۷۲ دو یادداشت تفاهم در زمینه های آموزشی بین وزارت فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران و وزارت آموزش قرقیزستان در زمینه ی همکاری های فرهنگی، علمی و آموزشی بین دو کشور به امضا رسید. سفارت ایران در سال ۱۳۷۳ موفق به خریداری و اهدای ساختمان برای اداره ی امور دینی استان نارین به مدرسه ی علوم دینی گردید. در سال ۱۳۷۹ در سفر آقای، رئیس جمهور وقت قرقیزستان، به تهران موافقت نامه ی علمی، آموزشی و فرهنگی بین وزاری فرهنگ دو کشور به امضا رسید. در این موافقت نامه موارد زیادی از همکاری های علمی و فرهنگی مانند تقویت زبان فارسی در دانشگاه های قرقیزستان، تبادل اطلاعات علمی و بررسی مدارک علمی دانشگاهی بین دو کشور پیش بینی شده است که لزوم همکاری بیشتر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای اجرای تمامی مفاد آن را می طلبد. در سال ۱۳۸۱ با سفر ریاست جمهوری ایران به قرقیزستان این روابط از روند صعودی برخوردار بوده است. در سال ۱۳۸۲ به ویژه با سفر رئیس جمهور قرقیزستان به ایران و امضای یادداشت تفاهم فرهنگی بین دو کشور روابط بیش از پیش گسترش یافت (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

از دیگر فعالیت‌های انجام شده می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- تأسیس مؤسسه‌ی اسلام شناسی و ایران شناسی در دانشگاه علوم انسانی با حضور رؤسای جمهور دو کشور و اعزام اساتید متخصص از ایران برای تدریس در این مؤسسه.

- افتتاح مرکز ادبیات فارسی فردوسی با بیش از ۴هزار جلد کتاب در کتابخانه‌ی ملی با حضور وزیر فرهنگ دو کشور.

- برگزاری سمینارهای متعدد (علمی و فرهنگی در خصوص مشاهیر فرهنگ و ادب زبان فارسی مانند حافظ، مولوی، فردوسی و غیره).

- اعزام دانشجویان زبان فارسی به ایران برای شرکت در دوره آموزش زبان فارسی.

- تجهیز مراکز علمی و آموزش زبان فارسی به تجهیزات سمعی و بصری.

- برگزاری نمایشگاه قرآنی در مؤسسه انتشاراتی الهدی.

- اعزام محققان قرقیزی برای شرکت در سمینارهای متعدد علمی در ایران.

- پذیرش حدود ۳۵ دانشجو در مقطع لیسانس در رشته اسلام شناسی.

- یادداشت تفاهم و همکاری‌های فرهنگی و هنری در سال ۱۳۸۲.

- برگزاری نمایشگاه بزرگ و هفته فرهنگی ایران در بیشکک در سال ۱۳۸۵ (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷:۱۸۸).

- آموزش زبان فارسی: تأسیس کرسی زبان فارسی در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه شرق شناسی دانشگاه علوم انسانی بیشکک، دانشکده‌ی

شرق‌شناسی دانشگاه ملی، دانشگاه علوم انسانی قرقیزستان، دانشگاه ملی، دانشگاه آرابایف، دانشگاه اسلاویانسکی بیشکک، دانشگاه دولتی-ملی اوش و کالج عالی اوش.

۳-۲. دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان

موافقت‌نامه فرهنگی ایران و ترکمنستان در تاریخ ۱۳۷۱مضا و در ۱۳۷۲ به تصویب مجلس رسید (زیرک، ۱۳۷۶:۶۴). رؤس فعالیت‌های فرهنگی در ترکمنستان به طور اجمال عبارت است از: تشکیل کلاسهای زبان فارسی در رایزنی و مدارس، تقویت و همکاری با بخش زبان فارسی دانشگاهها، تهیه و چاپ مقالات متنوع در مطبوعات، تهیه و تدوین اخبار و گزارشهای تحلیلی و فرهنگی، برگزاری هفته‌ی فرهنگی، برگزاری مراسم مذهبی بویژه در ماه محرم و ماه رمضان، برگزاری نمایشگاههای مختلف قرآنی، صنایع دستی، کتاب، عکس و ... اعزام نیروهای فرهنگی دو کشور به مجامع بین‌المللی فرهنگی و هنری و تدوین بولتن‌های خبری.

ایجاد نمایشگاههای هنری و جشنواره‌های مختلف و نیز برگزاری هفته‌ی فرهنگی ایران در ترکمنستان را در بحث روابط فرهنگی دو کشور می‌توان مطرح کرد. از جمله فعالیت‌های فرهنگی انجام شده، برگزاری هفته فرهنگی دو کشور در پایتخت‌های یکدیگر، برگزاری همایش مشترک بزرگداشت شخصیت‌ها و مفاخر دو کشور از جمله مختوم قلی فراغی، خواجه یوسف همدانی، ابوسعید ابوالخیر و جلاله زمخشری را می‌توان نام برد. برقراری ارتباط فرهنگی میان دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه مختوم قلی، بازدیدهای مکرر اساتید و دانشجویان مراکز فوق از کشورهای یکدیگر، تدریس زبان فارسی توسط اساتید ایرانی در دانشگاه مختوم قلی، تعمیر و بازسازی بناهای تاریخی ترکمنستان از سوی متخصصان و کارشناسان خراسانی و ... نمونه‌هایی از روابط فرهنگی دو کشور است (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۰:۸۴).

۳-۳. دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ازبکستان

با توجه به پیشینه ی تاریخی و فرهنگی ایران و ازبکستان، طبیعتاً انتظار بر آن است که این دو کشور ارتباطات و مبادلات فرهنگی گسترده‌ای با یکدیگر داشته باشند. ولی متأسفانه روابط فرهنگی مابین دو کشور بسیار محدود و ضعیف است. به غیر از چند سفر از سوی مقامات فرهنگی دو کشور در جهت مذاکره و یا افتتاح مراکز فرهنگی در ایران یا ازبکستان تا کنون مبادله ی فرهنگی قابل توجهی مابین دو کشور انجام نگرفته است. و این نکته هنگامی تأسف بارتر می‌نماید که با وجود اشتراکات گسترده ی فرهنگی که دو کشور با یکدیگر دارند ازبکستان و ایران هنوز با یکدیگر موافقتنامه ی فرهنگی امضا نکرده‌اند.

۴-۳. دیپلماسی فرهنگی ایران در تاجیکستان

ایران در زمینه‌های فرهنگی فعالیت‌های زیادی در تاجیکستان کرده است که تلاش در فراگیری خط فارسی و چاپ کتاب کلاس اول برای تدریس در مدارس ابتدایی این کشور از این جمله است. در سالهای ۷۱ و ۷۳ کتاب دوم «الفبا» و کتب درسی سال اول به وسیله ی ایران چاپ و در آن کشور توزیع شده است. علاوه بر مسائل مربوط به خط و زبان، ایران و تاجیکستان در سایر زمینه‌های فرهنگی از سال ۱۹۸۹ به بعد با هم همکاری‌های نزدیکی داشته‌اند؛ مبادله ی کتاب، فستیوال فیلم، برگزاری نمایشگاه، برگزاری شب شعر، اجرای مسابقات ورزشی، برگزاری همایش زبان فارسی، هفته ی فرهنگ و چاپ و توزیع قرآن با ترجمه ی فارسی از این جمله‌اند.

مبادله ی دانشجو، تربیت کادر دیپلماتیک، آموزش در دوره‌های کوتاه مدت بانکداری، بیمه و آموزش زبان فارسی از دیگر فعالیت‌های فرهنگی ایران است. وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیز جهت مبادله ی استاد ودانشجو اعلام آمادگی نموده است تا دانشجویان تاجیک بتوانند در دانشگاه‌های ایران تحصیل کنند. همچنین ایران تا سال ۱۳۷۸ چهار کتابخانه ی بزرگ فارسی در شهرهای دوشنبه، خجند، خاروق و کولاب تاجیکستان ایجاد نمود (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴:۹۱).

مؤسسه ی انتشارات بین‌المللی الهدی از طریق انتشارات «تاجیک کتاب» در دوشنبه اقدام به توزیع کتابهای فارسی به علاقمندان نموده است. این در حالی است که با رسمیت یافتن زبان فارسی در تاجیکستان تقاضا برای کتب فارسی افزایش یافته و با توجه به اهداف غیر انتفاعی مؤسسه ی الهدی و نیز روشی که برای گسترش زبان فارسی انتخاب نموده به نظر می‌رسد که بتواند در تاجیکستان اقدامات مفیدی جهت احیای زبان و فرهنگ ایرانی انجام دهد. دانشگاه امام صادق (ع) نیزیهیأتی را برای مطالعه ی امکانات و شرایط لازم جهت تأسیس شعبه‌ای در دوشنبه به تاجیکستان اعزام کرد (ملکیان، ۱۳۹۱:۹۳).

در سال‌های اول استقلال تاجیکستان، اشعار زیادی از شاعران تاجیک در چندین مجله ی ایران و همچنین مقاله‌های علمی در مورد تاجیکستان چاپ شد. کتاب «خورشیدهای گمشده» که شامل نمونه اشعار یکصد شاعر قرن ۲۰ تاجیکستان است، در سال ۱۹۹۸ در ایران منتشر شد. همچنین در سال‌های اخیر، کتاب‌هایی از استاد صدرالدین عینی، میرزا سراج حکیم، مؤمن قناعت، لایق شیر علی، گلرخسار صفی، عاشور صفر، عبدالحمید صمداف، گلنظر کیلیدی، فرزانه خجندی، مهمان بختی، عسکر رحیم، محمد زمان صالح، رحمت نذری، محمدعلی عجمی و دیگران به وسیله ی انتشارات الهدی، سروش، بوعلی، بلخ، به‌آگاه و حوزه ی هنری تهران منتشر شده است (شکورزاده، ۱۳۸۵:۶۴-۲۳). در تاجیکستان، مجموعه اشعار امام خمینی (ره) و تنی چند از شاعران و ادیبان ایرانی به وسیله ی انتشارات مختلف تاجیکستان در دسترس خوانندگان تاجیکستانی قرار گرفته است.

روابط هنری دو کشور در حوزه های موسیقی و تئاتر و سینما بیشتر بر اساس برگزاری جشنواره‌ها و سفرهای گروهی و فردی هنرمندان به کشورهای یکدیگر و مکاتبه‌های میان آنها صورت گرفته است. در سپتامبر ۱۹۹۴، در ایام جشن هزاره «شاهنامه فردوسی»، تئاتر «اندیشه» از ایران نمایشنامه ی «اسفندیار» را در شهر دوشنبه اجرا کرد. در سال ۱۹۹۹ تئاتر لاهوتی تاجیکستان در هفدهمین جشنواره ی بین‌المللی تئاتر «دهه ی فجر» نمایشنامه ی «بهرام چوبینه» را به تماشاچیان ایرانی نشان داد. سال ۲۰۰۱ تئاتر دولتی شهر کولاب با نمایشنامه ی

«امیرکبیر» در سومین جشنواره ی بین‌المللی تئاتر «ایران زمین» شرکت کرد و از ۲۶ نوامبر تا ۶ دسامبر ۱۹۹۰ جشنواره ی فیلم‌های ایرانی در شهر دوشنبه برگزار شد. در این جشنواره در ۱۰ روز در سینماهای پایتخت تاجیکستان ۲۰ فیلم جدید ایرانی به نمایش گذاشته شد. در سپتامبر ۱۹۹۱ جشنواره ی بین‌المللی فیلم «همسایه‌ها» در شهر دوشنبه برگزار شد. پس از آن در مه ۱۹۹۳ در شهر دوشنبه هفته ی فیلم‌های ایرانی برگزار شد که در آن ۷ فیلم بلند به نمایش درآمد. در چند سال اخیر، ایران تعدادی فیلم و سریال را به تاجیکستان اهدا کرد که از تلویزیون تاجیکستان به نمایش درآمدند.

با هدف آموزش و تحقّق گویش‌های زبان فارسی تاجیکی در سال ۱۹۹۴ با همکاری معاونت آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه ایران و همکاری پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی فرهنگستان علوم تاجیکستان در شهر دوشنبه، پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی تأسیس شد. «فرهنگ زبان یغمایی» در سال ۱۹۹۶ و «فرهنگ مصادر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی تاجیکستان» در سال ۱۹۹۸ از سوی بنیاد بین‌المللی زبان فارسی تاجیکی برنده ی جایزه ی مولوی شدند. نخستین قرارداد همکاری علمی تاجیکستان و ایران میان آکادمی علوم تاجیکستان و دانشگاه مشهد در سال ۱۹۹۶ به امضا رسید.

با کوشش ایران در تاجیکستان، کتابخانه‌هایی در شهر دوشنبه، خجند، کولاب، خاروع، کانی بادام، پنجکنت و استروشن (اوراتپه) و اتاق‌های ایران در دانشکده ی ادبیات دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان و دانشگاه دولتی خجند تأسیس شده است و آرامگاه‌های استاد رودکی در شهر پنجکنت، میر سید علی همدانی در شهر کولاب و تعدادی مسجد در نواحی مختلف تاجیکستان ترمیم شده‌اند. همچنین به پژوهشگاه‌های فرهنگستان علوم تاجیکستان و مراکز آموزش عالی تاجیکستان چندین هزار جلد کتاب در رشته‌های گوناگون علمی اهدا کرده است.

در سال ۲۰۰۲، سند همکاری میان وزارت علوم و تحقیقات ایران با وزارت معارف تاجیکستان در مورد تبادل استاد و دانشجو و اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان به امضا رسید. برگزاری سمینار بین‌المللی علمی «دولت و تمدن سامانیان» در شهر دوشنبه و مجمع علمی «تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان» در شهر مشهد به مناسبت ۱۱۰۰ سالگی دولت سامانیان با همکاری بنیاد فرهنگ تاجیکستان و چاپ کتاب «سامانیان و احیای تمدن تاجیکی» در دو جلد جداگانه با حروف فارسی و کریلی است و همچنین نشر مجله ی «ارمغان» با همکاری بنیاد فرهنگ تاجیکستان با خط سیریلیک از دیگر کارهایی است که ایران در تاجیکستان انجام داده است. در سال ۲۰۱۲ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران به مناسبت هفته ی فرهنگی ایران در تاجیکستان بخشی از ۲۰ هزار جلد کتابی را که در قالب هفته ی فرهنگی به این کشور انتقال یافته بود، در اختیار کتابخانه ی مجلس تاجیکستان و بخشی را در اختیار کتابخانه میر سید علی در کولاب قرار داد.

پس از فروپاشی شوروی همکاری‌های فرهنگی و علمی میان دو کشور رو به گسترش بوده است که افزون بر این موارد، می‌توان به موارد زیر هم اشاره کرد:

- ۱- برگزاری مشترک فستیوال موسیقی فرارود. ۲- انتشار مجموعه ی ادبیات معاصر تاجیکستان. ۳- تبادل گروه‌های موسیقی و تئاتر دو طرف. ۴- اعزام مرمت‌کار برای گذراندن دروه ی آموزش آثار قدیمی و نسخه‌ای. ۵- راه‌اندازی کالج انفورماتیک. ۶- تسهیل اعطای بورس‌های آموزشی برای دوره‌های تحقیقات عالی به دانشجویان برجسته. ۷- ارائه ی فرصت‌های پژوهشی دو طرف. ۸- افتتاح بخش مطالعات و پژوهش‌ها در وزارت علوم تاجیکستان به کمک وزارت خارجه ی ایران. ۹- افتتاح ساختمان جدید پژوهشگاه ادب فارسی و تاجیکی. ۱۰- برگزاری سمینار بزرگداشت مقام خواجه ابوعبدالله رودکی در شهر پنجکنت. ۱۱- اعطای جوایز به هنرپیشه‌های تاجیکی. ۱۲- ارائه ی فهرست نسخه‌ای خطی موجود در تاجیکستان. ۱۳- روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان در قالب برگزاری همایش‌های مشترک. ۱۴- شرکت نمایندگان اهل علم و ادب و هنر این دو کشور در همایش‌های علمی، جشنواره‌های هنری فیلم، تئاتر

و موسیقی. ۱۵- چاپ و نشر آثار علمی و ادبی. ۱۶- سفرهای گروهی و فردی فرهنگیان دو کشور ایران و تاجیکستان. ۱۷- برگزاری هزاره ی شاهنامه ی حکیم ابوالقاسم فردوسی و ۶۸۰ سالگی میر سید علی همدانی. ۱۸- برگزاری همایش بین المللی دولت و تمدن سامانیان به مناسبت جشن ۱۱۰۰ سالگی دولت سامانیان در تاجیکستان و ایران.

۳-۵. دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان

تاریخ مشترک ایران و آسیای مرکزی، بخصوص قزاقستان به دوران بسیار کهن باز می گردد. براساس نوشته های هروودوت، تاریخ نگار یونانی و سنگ نوشته هایی که از دوران هخامنشیان به جای مانده است، در سده های ششم و پنجم قبل از میلاد در محلی که قزاقستان فعلی واقع است، اقوامی زندگی می کردند که فارسی زبان بوده اند. با وجود اینکه بسیاری از آثار باستانی این دوره از بین رفته، اما آثار کشف شده اکثراً به سبک هخامنشیان ساخته شده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

در زمینه ی روابط فرهنگی، عمده ترین اقدامات به عمل آمده از سوی ایران عبارت است از:

- ۱- سفر هیأت فرهنگی ایران به قزاقستان و برگزاری هفته ی ایران در آلماتی و آستانه. در همین سفر مقامات وزارت فرهنگ موفق به عقد یک قرارداد با مقامات قزاق در زمینه ی همکاری های جهانگردی شدند.
- ۲- سفر رئیس وقت دانشگاه تهران و مذاکره در خصوص همکاری های دوجانبه.
- ۳- سفر وزیر فرهنگ قزاقستان به تهران و امضای تفاهم نامه ی همکاری های فرهنگی بین دو کشور.
- ۴- آموزش دیپلمات های قزاقستان در مرکز آموزش های دیپلماتیک وزارت امور خارجه.
- ۵- سفر خلیفه آلتای اوکین مترجم قرآن به زبان قزاقی به تهران جهت شرکت در نمایشگاه بین المللی قرآن و آثار قرآنی (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

۶- امضای توافقنامه ی انجمن فرهنگی دوستی ایران و قزاقستان با اهداف:

آشنایی دو ملت با تاریخ، فرهنگ، هنر و ادب یکدیگر، گسترش و تحکیم روابط فرهنگی و نیل به اهداف فوق از طریق تشویق و ترغیب سازمان های ذیربط فرهنگی و هنری کشور متبوع خود، برگزاری روزهای ملی، هفته های فرهنگی، نمایشگاه های اختصاصی فرهنگی و با موضوعات کتاب، مطبوعات، عکس و اسلاید، صنایع دستی، اسناد علمی فرهنگی، نقاشی و خط، جشنواره های اختصاصی فیلم و موسیقی و تئاتر و هنرهای نمایشی، برگزاری گردهمایی های علمی، تبادل هیأت های علمی و فرهنگی، مبادله ی استاد و دانشجو و محقق، اعطای بورس های تحصیلی و تحقیقی به دانشجویان و محققان، گسترش زبان و ادبیات فارسی و قزاقی در هر یک از دو کشور از طریق ایجاد مراکز آموزشی، تبادل استاد و دانشجو و مبادله ی کتاب و وسایل کمک آموزشی، تجهیز بخش های زبان و ادبیات فارسی و قزاقی کتابخانه های عمومی و اختصاصی و مراکز فرهنگی دو کشور از طریق مبادله ی کتاب، نشریات، میکروفیلم، نرم افزار و عکس و اسلاید (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸: ۱۲۳)، فراهم نمودن مقدمات و تسهیلات لازم به منظور تألیف، ترجمه و چاپ فرهنگ نامه های دو زبانه و کتابهای مورد علاقه ی دو کشور، ایجاد فروشگاهها و نمایشگاههای دائمی محصولات فرهنگی از قبیل کتاب، مطبوعات، تابلوهای هنری، صنایع دستی، عکس و اسلاید و نوارهای صوتی و تصویری، مطالعه و تحقیق در خصوص میراث مشترک و مبادله ی اسناد و مدارک مربوط به آن، ایجاد بخشهای مستقل و نمایش آثار و اشیای میراث فرهنگی و موزه های در موزه های دو کشور، معرفی مراکز فرهنگی، تاریخی و سیاحتی دو کشور، فراهم نمودن تسهیلات لازم جهت مبادله ی توریست و ایجاد تورهای سیاحتی، ایجاد نمایندگی های خبری و تبادل خبر، تأسیس نشریات مشترک به زبانهای فارسی و قزاقی و یا به طور مستقل در هر یک از دو کشور، تبادل برنامه های ویژه بین رادیو و تلویزیون های دو کشور با توجه به مناسبت های فرهنگی خاص دو ملت، اعزام هیأت های

ورزشی، شرکت در مسابقات و جشنواره‌های ورزشی یکدیگر، مبادله ی مربیان و اطلاعات لازم در زمینه‌های مختلف ورزشی به منظور بهره‌گیری از تجارب یکدیگر.

۴. دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی

ترکیه نخستین کشوری بود که جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز را به رسمیت شناخت. در آوریل ۱۹۹۲ اولین اجلاس سران کشورهای ترک زبان منطقه در آنکارا تشکیل و در این اجلاس از آغاز یک دوره‌ی جدید سخن گفته شد و از این منطقه به سرزمین «نیاکان ترک» نام برده و اعلام شد که قرن ۲۱ قرن ترک‌هاست. از سویی دیگر ترکیه با توجه به پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی، قومی و زبانی با دولت های تازه استقلال یافته به عنوان «برادر بزرگتر» برای کشورهای ترک زبان منطقه مانند آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان در چهارچوب ایدئولوژی پان ترکسیم سعی در ایجاد «ترکستان بزرگ» دارد که با تحریک احساسات و سیاست های ضد ایرانی و ضد روسی در پی تحقق اهداف خود می باشد.

تغییر ماهیت نظام سیاسی حاکم بر ترکیه پیرو معاهده ی لوزان و حاکمیت نظام جمهوری، علاوه بر تغییرات رویکردی به حوزه ی داخل، سیاست خارجی این کشور را نیز به شدت دگرگون نمود (رابینسون، ۱۳۴۷: ۱۸). اگرچه در دوره ی عثمانی هویت چندگانه ی این کشور با اولویت جهان اسلام تعریف می شد، همین عامل در جمهوری نوپا باعث شد تا پیرو حافظه ی تاریخی و تلاش های نوگرایانه ی رهبران ترکیه، سیاست خارجی و رویکردهای حاکم، غرب را الگوی پیشرفت قرار دهد (دهشیار، ۱۳۸۵: ۷۴-۵۳) و به تبع آن مقصد تمام برنامه ریزی ها به نوعی معطوف به سمت غرب شود. این نگرش در سیاست داخلی، خارجی و دیپلماسی فرهنگی ترکیه به خوبی نمایان است با این حال آنچه شاکله ی جمهوری ترکیه را تشکیل داده و عناصر اصلی دیپلماسی فرهنگی ترکیه به شمار می آید تاریخ، فرهنگ و ژئوپولیتیک آن است که به تدریج مؤلفه هایی از آن منشعب شده است که با کنار هم قرار دادن این مؤلفه ها و تحلیل آن ها می توان تا حدودی چهره ی دیپلماسی فرهنگی ترکیه را به ویژه در دو دهه ی اخیر ترسیم کرد. این مؤلفه ها را می توان به قرار زیر دسته بندی کرد: ترکیه متروپل فرهنگ و تمدن جهان ترک، همذات پنداری با تمدن اروپایی، نوعثمانیگری، سنتز اقتصاد - فرهنگ، ارائه ی مدل سیاسی، ابزارهای اجرایی دیپلماسی فرهنگی ترکیه نیز عبارتند از: رسانه ها، لابی ترک ها، آموزش زبان ترکی، تورسیم، مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی.

قدرت نرم ترکیه برآیند تاریخ، فرهنگ و جغرافیای این کشور است و ترک‌ها هم اکنون این مهم را هم در حوزه ی سیاست داخلی و هم در حوزه ی سیاست خارجی در دستور کار خود قرار داده‌اند و دیپلماسی عمومی جدید ترکیه بر محور گسترش قدرت نرم ترکیه در منطقه ی بالکان، خاورمیانه و قفقاز قرار دارد (Kalin, 2011:5). آنکارا با نظر داشت منافع ژئوپولیتیک خود در هر یک از این جمهوری های مستقل شده، هدف مهمتری را دنبال کرده و آن عبارت است از احیای فرهنگ ترک و گسترش ایده ی پان ترکسیم (واعظی، ۱۳۸۶). استراتژی فرهنگی ترکیه برای نیل به این مقصد همواره بر قلم استوار بوده و به همین جهت تأسیس مدارس و دانشگاههای مستقل یا مشترک را در هر یک از جمهوری ها در سرلوحه ی کار خود قرار داده است. تأسیس کالج های زبان ترکی، برگزاری کنفرانس های مشترک، تأسیس فروشگاههای زنجیره ای با عرضه ی محصولات ترک، دایر کردن رستوران های غذاخوری، اعزام مبلغ و مدرس دینی، مرمت و بازسازی اماکن دینی و مذهبی از شیوه ها و برنامه های رایج ترکیه در این کشورهاست. ترکیه با داشتن اشتراکات زبانی با جمهوری های آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و جمعیت ترک زبان تاجیکستان از ابتدا با سیاست پان ترکسیم و در قالب اصطلاحاتی همچون «جامعه ی بزرگ توران»، «اتحادیه ی بزرگ دولت های ترک» و «مشترک المنافع ترکی» وارد این مناطق گردید. این کشورها با بهره گیری از امتیاز منحصر به فرد یادشده و با اتخاذ سیاست هایی همچون تأسیس یک کانال ماهواره ای مختص

آسیای مرکزی و قفقاز (کانال اوراسیا) با برنامه‌های ۲۴ ساعته، اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان، دانش‌آموزان و طلبان این مناطق برای تحصیل در این کشور، احداث مدارس متعدد به همراه تأمین نیازهای آموزشی و مدرسان مورد نیاز آنها، چاپ و توزیع انواع کتب درسی و... به توفیقات بیشتری در جهت کم‌رنگ کردن ضعف‌های خود نائل گردیده است (نقدی‌نژاد و پور ابراهیم، ۱۳۸۸: ۴۴). مشکلات فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در طول هفتاد سال حکومت شوروی سابق، این فرصت را برای ترکیه فراهم آورد تا پس از استقلال دست یاری به سوی آنها دراز کند و به گسترش ملیت‌گرایی و تشکیل دولت بزرگ ترک بیندیشد. بدین منظور در دست پس از فروپاشی شوروی، دو سازمان نیمه دولتی «بنیاد زبان ترک» و «بنیاد تاریخ ترک» که هر دو وابسته به مؤسسه عالی فرهنگ، زبان و تاریخ آتاتورک اند مسئولیت القای سیاست فرهنگی ترکیه به کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز را برعهده گرفتند (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، فروردین ۱۳۸۲).

ترکیه با دو روش رسمی و غیررسمی به گسترش نفوذ خود در این جمهوری‌ها ادامه داد. برای دستیابی به اهداف مورد نظر به افتتاح مدارس و مراکز آموزشی پرداخت و امکانات لازم جهت ادامه تحصیلی دانشجویان این کشورها را در ترکیه فراهم ساخت. در این خصوص عقد قراردادهای همکاری بین دانشگاه‌های ترکیه نظیر آنکارا، استانبول، اژه، مرمره، غازی، با دانشگاه‌های جمهوری‌های آسیای مرکزی آغاز شد.

در زمینه آموزش زبان، شباهت زبانی و سنت‌های فرهنگی مشترک مهم‌ترین ابزارهایی هستند که آنکارا در صدد است با اتکا به آن‌ها رهبری خود را در جهان ترکی نوظهور تحقق بخشد. ترکیه با اشاره به گستردگی پوشش زبان ترکی به عنوان پنجمین زبان جهان که ۱۵۰ میلیون نفر از بالکان تا چین به آن تکلم می‌کنند در تلاش است که خود را همچون یک مغناطیس فرهنگی برای ملت‌های ترک منطقه معرفی نماید. در همین ارتباط دولت آنکارا اقدام به اجرای حجم وسیعی از برنامه‌های فرهنگی نظیر پخش ماهواره ای، رایه‌ی بورس‌های تحصیلی، تأسیس دفاتر فرهنگ و زبان ترکی و تأسیس مدرسه نموده است (نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

حوزه‌ی دیگر دیپلماسی فرهنگی ترکیه «سیاست‌های دینی» است. تمام فعالیت‌های دینی ترکیه از سوی سازمان امور دیانت که نهادی دولتی و وابسته به نخست‌وزیری است، انجام می‌شود. با اینکه در قانون اساسی ترکیه دخالت دولت در امور دینی منع شده اما دولت با تأسیس این سازمان، سیاست‌های دینی خود را از طریق آن اجرا می‌کند. اعزام مبلغ و مدرس دینی از اقدام‌های دیگر سازمان امور دیانت است (عابدینی، ۱۳۸۴).

الگوی اجرایی و به تعبیری ابزارهای اجرایی دیپلماسی فرهنگی ترکیه در منطقه عبارتند از:

- **رسانه:** در این زمینه شبکه‌ی تلویزیونی «تی.آر.تی. آواز» در نوزدهم سال ۲۰۰۹ میلادی شروع به فعالیت کرده است. این شبکه به زبان‌های هشت کشور، یعنی ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، آذربایجان، بوسنی و هرزگوین، آلبانی و در رأس آن ترکیه و توسط مجریان همان کشورها برنامه پخش می‌کند. ترکیه تنها کشوری است که حضور پررنگ رسانه‌ای در ترکمنستان دارد به طوری که هر یک از رسانه‌های معتبر دیداری، شنیداری و مکتوب ترکیه نمایندگی در عشق آباد دارند. هم‌اکنون در عرصه‌ی خبری و رسانه‌ای ترکمنستان شبکه‌های تلویزیونی تی.آر.تی، سامان یولی، خبرگزاری نیمه دولتی آنا تولی، خبرگزاری خصوصی جیهان، اخلاص و روزنامه‌ی بین‌المللی زمان، مجله‌ی اقتصادی اکو ویرین حضور دارند. یکی از شبکه‌های تلویزیونی، اوراسیا لایف^۲ می‌باشد. این شبکه برنامه‌های خود را به سه زبان ترکی استانبولی، روسی و انگلیسی رایج می‌کند. تعاملاتی حرفه‌ای با تلویزیون‌های محلی کشورهای هدف، بویژه در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز دارد و هم‌زمان شعبه‌های خود را در پایتخت این کشورها نیز فعال می‌کند. بیش از یک دهه

² - Urasia Life

است که آنکارا فعالیت گسترده‌ای را در جمهوری‌های آسیای مرکزی سازمان داده و از آذربایجان در غرب دریای مازندران تا جمهوری مغولستان و حتی منطقه ی اوغورنشین سین کیانگ در غرب چین، نفوذ فرهنگی خود را توسعه داده است.

تبادلات علمی: دانشگاه و مدارس بین‌المللی ترکمن ترک از ابزارهای مؤثر حضور ترک‌ها در عرصه ی آموزشی و فرهنگی ترکمنستان محسوب می‌شوند. دانشگاه بین‌المللی ترکمن ترک که از سوی ترک‌ها اداره می‌شود از سال ۱۹۹۴ میلادی فعالیت خود را آغاز کرده و در کنار آن مدارس ترکمن ترک نیز که در تمامی مقاطع تحصیلی پیش از دانشگاه، دانش آموز می‌پذیرد به فعالیت آموزشی و فرهنگی مشغول است. هم اکنون در ترکمنستان ۱۴ مدرسه ی ترکمن ترک، مجموعه ی آموزش زبان‌های خارجی با شکنت و مرکز فرهنگی جمهوری ترکیه فعالیت دارد. براساس تازه‌ترین آمارها، هم اکنون بیش از یک هزار و ششصد و پنجاه و دونفر از دانشجویان ترکمن در مدارس آموزش عالی ترکیه در رشته‌های مختلف تحصیل می‌کنند (<http://turkmenistan.blogfa.com/post-28.aspx>). برخی آمارها از آموزش حدود ۳۰ هزار نفر در نهادهای آموزشی ترکیه از ابتدای استقلال ترکمنستان تاکنون حکایت دارد ولی سفیر ترکیه در عشق آباد تعداد آموزش دیدگان مراکز فرهنگی این کشور در ترکمنستان را بیش از ۱۱ هزار نفر عنوان می‌کند. مرکز آموزش زبان‌های خارجی و رایانه ی با شکنت هم اکنون به یکی از مراکز بزرگ فرهنگی و آموزشی ترکمنستان تبدیل شده که علاوه بر ترکمن ها، سایر اقلیت‌ها و حتی فرزندان دیپلمات‌ها برای فراگیری زبان انگلیسی و رایانه به این مرکز مراجعه می‌کنند. ترکیه علاوه بر فعالیت آموزشی در داخل ترکمنستان همانند آمریکا هر سال با برگزاری آزمون از بین دانش آموختگان مقطع متوسطه دانشجو برای تحصیل پذیرش می‌کند (اولدوز گشت، ۲۲ آبان ۱۳۹۱). علاوه بر وجود ده‌ها مدرسه و مرکز علمی و پژوهشی ترکی، در برخی از کشورهای آسیای مرکزی و مشخصاً در قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان دانشگاه‌های ترکی نیز فعال هستند و سالانه صدها نفر متخصص را در رشته‌های مختلف پرورش می‌دهند. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، تلاش ترکیه برای نفوذ در تنها کشور فارس‌زبان آسیای مرکزی یعنی تاجیکستان است. چنانکه در حال حاضر در این کشور، هفت مؤسسه ی آموزشی ترکی ایجاد شده که در آنجا فرزندان مقامات عالی رتبه ی دولتی و محلی و کودکان مستعد آموزش می‌بینند (<http://www.idsp.ir/fa/pages/?cid=951>). به ویژه توجه این مدارس به آموزش زبان انگلیسی سبب شده که ورود فارغ‌التحصیلان آنها به دانشگاه‌های تاجیکستان، ترکیه و کشورهای غربی آسان‌تر باشد که خود باعث گرایش بیشتر به تحصیل در این مدارس شده است. زبان وجود زبان و خط مشترک لاتین بین آنکارا با برخی از کشورهای منطقه، زمینه ی تبادل اطلاعات بین ترکیه و کشورهای منطقه را از طریق رسانه‌ها و انتشارات علمی و پژوهشی فراهم کرده است. به علاوه سکولار بودن نظام حکومتی ترکیه، نگرانی دولت‌های آسیای مرکزی را از بابت نفوذ ترکیه کاهش داده است. ترکیه از این فرصت برای گسترش نفوذ فرهنگی خود بهره ی فراوانی برده، به نحوی که نه تنها گوی رقابت را از بسیاری از کشورها در این زمینه ربود، بلکه حتی با روسیه به رقابت پرداخته است. در طول ۲۰ سال استقلال کشورهای آسیای مرکزی، هزاران نفر از جوانان این منطقه در دانشگاه‌های ترکیه تحصیل کرده و بخش قابل توجهی از آنها در نهادهای دولتی کشورهای خود مشغول کار شده‌اند. همچنین اکنون در برخی از کشورهای آسیای مرکزی در سطوح مختلف سیاسی، از جمله در سطح احزاب و پارلمان، لابی‌های طرفدار ترکیه ایجاد شده که این امر در مورد قرقیزستان، نمود بیشتری دارد. البته در تاجیکستان به دلیل فارس‌زبان بودن جمعیت آن، میزان گرایش به ترکیه کمتر است، ولی اقدامات اخیر فرهنگی آنکارا نظیر عرضه ی تعداد زیادی از فیلم‌ها و سریال‌ها، ایجاد مرکز ترجمه و دوبله ی فیلم موسوم به "هم صدا" حاکی از آن است که ترکیه به صورت برنامه‌ریزی شده به دنبال تحکیم زمینه‌های نفوذ خود در این کشور است. به ویژه با توجه به گرایش‌های لائیک دولت‌های منطقه و مواجهه ی آنان با رشد اسلام‌خواهی در کشورهای خود، معیارهای سیاسی، فرهنگی و مذهبی ترکیه این فرصت را به آنکارا داده است که موفقیت بیشتری در این کشورها داشته باشد. <http://www.idsp.ir/fa/pages/?cid=951>

با کاهش نقش رو سیه و زبان روسی در کشورهای منطقه، ترکیه با ایجاد « سازمان همکاری کشورهای ترک‌زبان » در سال ۱۹۹۲ تلاش کرد تا روابط فرهنگی با این کشورها را توسعه دهد. در همین راستا از آغاز سال ۱۹۹۳ با اجرای ۲ برنامه ی مشترک آموزشی و فرهنگی، دانش‌آموزان و دانشجویانی را از کشورهای آسیای مرکزی به ترکیه اعزام کرد. همزمان آنکارا اقدام به ایجاد مدارس ترکی در قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و ترکمنستان کرد. امروز در ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان و تاجیکستان ده‌ها هزار نفر در مدارس ترکیه آموزش دیده‌اند که در گسترش زبان ترکی، ارزش‌ها و استانداردهای اجتماعی، اخلاقی، تمدنی و فرهنگی آنکارا در کشورهای خود مؤثرند. (<http://sokhanejadid.rozblog.com/user-mohammadrezanaeimi/page/2>)

برگزاری مسابقات المپیاد زبان ترکی: یکی از فعالیتهای گروه فتح الله گولن، گسترش زبان ترکی از طریق مدارس وی در کشورهای مختلف می باشد. معلمان زبده ای که برای این هدف به خارج اعزام می شوند (مرجانی‌نژاد، ۱۳۹۱/۱۲/۱۰) توانسته اند در حوزه های مأموریت خود تعداد زیادی از دانش‌آموزان کشورهای آسیایی، آفریقایی و اروپایی را با زبان ترکی آشنا سازند. نگاه توسعه طلبانه ی گروههای ملی گرا در ترکیه به این امر باعث حمایت‌های تشویقی آنان نیز گردیده است. به همین منظور هر سال مسابقاتی تحت عنوان " المپیادزبان ترکی " بین زبان‌آموزان ترکی برگزار و جوایز نفیسی به آنان و نشان فتح به معلمان اهدامی‌گردد (<http://www.iranbalkan.net/view-8169.html>).

۴-۱. دیپلماسی فرهنگی ترکیه در قرقیزستان

قرقیزستان به عنوان یکی از پنج جمهوری آسیای مرکزی است که ترکیه توانسته است فعالیت‌های زیر را در این کشور دنبال نماید:

- ۱- ایجاد دانشگاههای مشترک ترکی- قرقیزی: دانشجویان این دانشگاه به وسیله ی اساتید تحصیل کرده ی محلی و اساتیدی که از ترکیه اعزام می‌شوند، آموزش دیده و ضمناً در ادامه بورسیه‌هایی برای آنان در دانشگاههای ترکیه در نظر گرفته می‌شود.
- ۲- استفاده از وسایل ارتباط جمعی: رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها از مهم‌ترین اقدامات ترکیه در این کشور می‌باشد. در این برنامه‌ها، تلاش می‌شود احساسات ناسیونالیستی مردم منطقه در مورد زبان مشترک و برادری اقوام مختلف ترک زبان برانگیخته شده و به آنان تفهیم شود که این کشورها متعلق به دنیای واحدی هستند که از یکدیگر جدا شده‌اند و می‌بایست دوباره متحد گردند.
- ۳- برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران و مقامات مختلف قرقیزستان: این دوره‌ها در زمینه‌های مختلف فرهنگی، تحقیقاتی، فنی و غیره در شهرهای ترکیه برگزار می‌گردد. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷:۱۶۴).
- ۴- تبادل توریسم: با توجه به تبلیغات وسیعی که در شبکه‌ی تلویزیونی ترکیه در مورد جاذبه‌های توریستی این کشور صورت می‌گیرد، به نظر می‌رسد تعداد افرادی که به این منظور به ترکیه سفر می‌کنند رو به افزایش است؛
- ۵- چاپ کتاب: یکی از فعالیت‌های ترکیه در زمینه‌های مختلف، چاپ کتاب می‌باشد. تا کنون کتاب‌هایی در زمینه‌ی وضعیت اقتصادی قرقیزستان، راهنمای سرمایه‌گذاری در قرقیزستان، جشن هزاره‌ی ماناس و برخی موارد دیگر چاپ و به بازار عرضه شده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷:۱۶۵).

۴-۲. دیپلماسی فرهنگی ترکیه در ترکمنستان

دانشگاه بین‌المللی ترکمن‌ترک که از سوی ترکیه اداره می‌شود از سال ۱۹۹۴ میلادی فعالیت خود را آغاز کرده و در کنار آن مدارس ترکمن‌ترک نیز که در تمامی مقاطع تحصیلی پیش از دانشگاه دانش‌آموز می‌پذیرد به فعالیت فرهنگی و آموزشی مشغول است. علاوه بر بحث آموزشی و مذهبی، ترکیه تنها کشوری است که حضور پررنگ رسانه‌ای در ترکمنستان دارد به طوری که هریک از رسانه‌های معتبر دیداری، شنیداری و مکتوب ترکیه نمایندگی در عشق‌آباد دارند. در عرصه ی خبری و رسانه‌ای ترکمنستان شبکه‌های تلویزیونی تی. آر. تی، سامان

یولو، خبرگزاری نیمه دولتی آناتولی، خبرگزاری خصوصی جیهان، اخلاص و روزنامه ی بین‌المللی زمان و مجله ی اقتصادی اکوویترین حضور دارند (آدمی ونوری، ۱۳۹۲: ۱۸).

در این کشور، حضور فرهنگی ترکیه قوی بوده و در کنار فعالیت‌های گسترده ی بازرگانی و ساختمان‌سازی و فعالیت‌های صنعتی و عمرانی فعالیت‌های گسترده فرهنگی دارد، از جمله: بیست مجتمع آموزشی بزرگ، دانشگاه ترکمنی ترک، دانشکده ی الهیات ترکمن، ساخت یک مسجد بسیار بزرگ مانند مسجد ایاصوفیا در عشق‌آباد که در کنار آن شورای دینی نیز در ساختمان آن مستتر است، پخش برنامه ی تلویزیونی کانال صحرا با روزانه حدود ۱۰ ساعت برنامه، تأسیس نشریه ی هفتگی زمان، تأسیس کلاس‌های آموزش زبان ترکی اسلانبولی و اعزام دهها استاد دانشگاه ترک به عشق‌آباد و هزاران دانشجوی ترکمن به ترکیه (زیرک، ۱۳۷۶: ۶۴). (<http://www.bbc.co.uk/persian/world/2011/09/11>).

۳-۴. دیپلماسی فرهنگی ترکیه در تاجیکستان

اختلافات فرهنگی موجود میان ترکیه و تاجیکستان یعنی زبان فارسی مردم آن و احساس تعلق آنها به فرهنگ ایرانی و مشترکات تاریخی و فرهنگی، نقش ترکیه را در این کشور کم‌رنگ و ضعیف کرده است و نفوذی را که ترکیه در سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی به دست آورده در تاجیکستان میسر نشده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۴: ۸۶-۸۵).

همکاری میان دو کشور در زمینه ی آموزش و پرورش در سال ۱۹۹۲ آغاز شد و در سال ۱۹۹۶ یک توافقنامه در این زمینه به امضا رسید. تقریباً ۵۰ دانشجوی تاجیک نیز در دانشگاه‌های ترکیه تحصیل می‌کنند. همچنین یک شرکت آموزشی ترکی به نام شلاله، ۷ دبیرستان، یک مرکز زبان، یک مدرسه ی بین‌المللی و یک خوابگاه آموزش عالی در تاجیکستان تأسیس کرده است. به‌طور کلی توافقنامه‌های فرهنگی، مذهبی و تاریخی میان ترکیه و تاجیکستان موجب توسعه ی روابط میان دو کشور شده است (Kanbolat, 2012). به گزارش وزارت معارف تاجیکستان همه ساله دولت ترکیه برای ثبت نام دانش‌آموزان تاجیک در مدارس ترکی در تاجیکستان آزمون برگزار می‌نماید (شاه میرزا، ۱۳۹۰).

ترکیه از طریق سرمایه‌گذاری سفارت خود در دوشنبه، مرکزی را با نام «هم صدا» ایجاد کرد که دارای استودیو و سایر امکانات فنی برای ترجمه و دوبله ی فیلم‌ها و سریال‌های ترکی است. این مرکز برای دوبله ی سریال‌ها، هنرمندان سرشناس تاجیک را به همکاری فراخواند و در حال حاضر مشغول پخش چندین سریال از طریق برخی از شبکه‌های تلویزیونی تاجیکستان است. در چنین شرایطی که سینمای تاجیکستان به دلیل مشکلات مالی، قدرت تهیه ی فیلم و سریال‌های مورد نیاز جامعه این کشور ندارد، کودکان و نوجوانان تاجیک الگوی قهرمانان آرمانی خود را در فیلم‌های خارجی جستجو می‌کنند که از این نظر امروز بخش قابل توجهی از فضای فرهنگی تاجیکستان در اختیار سریال‌های ترکی قرار گرفته است (محمدی، ۱۳۹۰). ترکیه با نگاهی به ایران در زمینه ی ساخت سریال‌های تأثیرگذار و انتقال فرهنگ اصیل اسلامی-ایرانی به تاجیکستان، توازن استه است در مدت زمان کوتاهی با در اختیار گرفتن فضای فرهنگی و رسانه‌ای این جمهوری، فضای سکولار خود را به این کشور فارس زبان مسلمان نشین آسیای مرکزی انتقال دهد.

۴-۴. دیپلماسی فرهنگی ترکیه در ازبکستان

ازبکستان به دلیل جمعیت، وسعت و پیشینه ی تاریخی از جایگاه برجسته‌ای در منطقه ی آسیای مرکزی برخوردار است. با وجود این، مناسبات دو کشور فوق هیچ‌گاه به نحو مطلوب تنظیم نشده است. اعطای پناهندگی از سوی آنکارا به محمد صالح، رهبر مخالفان دولت ازبکستان، یکی از مهم‌ترین عوامل تیرگی روابط دو کشور بوده است. با وجود این، همکاری ترکیه و ازبکستان در مبارزه با تروریسم موجب بهبود روابط دو کشور شده است. از نظر آنکارا، سیاست آمریکا در مبارزه با تروریسم می‌تواند نفوذ ترکیه را در آسیای مرکزی افزایش دهد. جنبش فتح‌الله گولن در ازبکستان تنها در سال تحصیلی ۱۹۹۳-۱۹۹۲، ۱۸ مجتمع آموزشی با هزینه ی ۵/۱ میلیون دلار احداث کرد که ۹۴ درصد از فارغ‌التحصیلان آن وارد دانشگاه شده‌اند (عابدینی، ۱۳۸۹: ۲۶). همچنین مدرسه ی بین‌المللی اولوگبک تاشکند از سال ۱۹۹۵ به عنوان یک سرمایه‌گذاری مشترک میان شرکت سلیم ترکیه و وزارت امور خارجه ی ازبکستان تأسیس شد، اما در سال ۲۰۱۱ مقامات ازبک فعالیت این مدرسه و تعدادی از مؤسسات آموزشی را که توسط جنبش گولن تأسیس شده بود، به حالت تعلیق درآوردند. آنها دلیل این اقدامات را برخی نگرانی‌های امنیتی و موانع اداری ذکر کرده بودند. اما پس از رایزنی‌های مقامات وزارت آموزش و پرورش ترکیه در خصوص اعتمادسازی این مؤسسات دوباره بازگشایی شدند (آدمی ونوری، ۱۳۹۲: ۱۶).

۴-۵. دیپلماسی فرهنگی ترکیه در قزاقستان

ترکیه اولین کشوری بود که استقلال قزاقستان را به رسمیت شناخت. وجود اشتراکات فرهنگی و زبانی بسترهای ژئوپلیتیک مناسبی را برای تعمیق مناسبات راهبردی میان دو کشور مهیا ساخته است به گونه‌ای که روابط میان آنکارا و تاشکند بدون توقّف سیر صعودی داشته است. مناسبات ترکیه با قزاقستان بعد از سفر نور سلطان نظر بایف در سال ۲۰۰۹ به ترکیه در مسیر همکاری های راهبردی قرار دارد (نوروزی، ۱۳۹۱: ۶۵). قزاقستان با حمایت بنیاد ترکی «کاتیف»، ۲۸ مؤسسه ی آموزشی وابسته به ترکیه را در این کشور فعال کرده است که حدوداً ۱۰ هزار دانش آموز در آنها تحصیل می کنند. ترکیه در سال ۱۹۹۱ در قزاقستان، دانشگاه بین المللی قزاق-ترک «خواجه احمد یسوی» در شهر ترکستان را تأسیس کرد. همچنین از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۱۰ حدود سه هزار دانشجوی قزاق در دانشگاه های ترکیه تحصیل کرده اند و حدود ۱۰۰۰ دانشجو از ترکیه در دانشگاه های قزاقستان مشغول تحصیل هستند (Fidan, 2010) از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۰۲ حدود سه هزار دانشجو از قزاقستان برای تحصیل در دانشگاه های ترکیه به این کشور اعزام شده و حدود هزار دانشجو از ترکیه در بهترین دانشگاه های قزاقستان از قبیل دانشگاه آبی، فارابی و قزاقستان جنوبی مشغول تحصیل اند. دانشجویان در بدو ورود به مدت یکسال زبانی ترکی و روسی فرا می گیرند.

نتیجه گیری

به عنوان دست آمدهای بررسی تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در منطقه آسیای مرکزی باید گفت دو کشور به لحاظ الگوی اجرایی که ناظر بر ابزار هست از شباهت بیشتری نسبت به یکدیگر برخوردارند تا الگوی ساختاری. مسئله ی ساختار سیاسی سکولار ترکیه به همراه غیرایدئولوژیک بودن سیاست خارجی این کشور و همچنین تعلّقات نژادی، زبانی و قومیتی منطقه با ترکیه از عوامل نفوذ و موفقیت این کشور در اجرای دیپلماسی فرهنگی می باشد. هرچند نمونه ی تاجیکستان حاکی از آن است که ترکیه با ابزارهای دیگری جز زبان، درصد تحقق اهداف خود در این کشور می باشند. در این بین موقعیت بهتر اقتصادی ترکیه نسبت به ایران، مکمل خوبی برای دیپلماسی قوی تر فرهنگی این کشور بوده است. تأسیس دانشگاه های متعدد، اعطای بورس های تحصیلی رایگان، تأسیس مدارس دینی، و حتی راه اندازی فروشگاه های مصرفی که ترویج فرهنگ کالایی ترکیه می باشد حاکی از همراهی عوامل اقتصادی ترکیه در کنار متغیرهای فرهنگی است. اما ایران به عنوان قدرت منطقه ای و به لحاظ علایق مشترک فرهنگی، تاریخی و دینی با آسیای مرکزی وقفه و همسایگی با برخی از آنها و نیز موقعیت ژئوپلیتیک اش جایگاه مهمی در منطقه دارد. ایران دارای ابزارهای نفوذی مانند زبان فارسی، میراث مشترک فرهنگی و دین اسلام در منطقه است. آنچه مسلم است ایران در بین رقبای منطقه با وجود فقدان استراتژی فرهنگی مدون و در تلاش برای کاستن از حساسیت های برخی از دولت ها نسبت به فعالیت هایش دستاوردهای نسبتاً خوبی در هر یک از کشورها و در مجموع در منطقه داشته است. توجه به نخبگان علمی و فرهنگی جمهوری های آسیای مرکزی و تبادل هیأت های علمی، فرهنگی و هنری، ترویج جوگسترش زبان فارسی در برخی از این کشورها به ویژه تاجیکستان و قزاقستان از طریق تأسیسات اقامتی ایران، افزایش تقویت کرسی های زبان فارسی، برگزاری دوره های دانش افزایی، معرفی و ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی از طریق برگزاری هفته های فیلم، موسیقی، نمایشگاه، شبهای شعر، چاپ و توزیع کتاب، بخشی از این دستاوردها بوده است. ایران در کشوری مانند قرقیزستان به عنوان دموکرات ترین جمهوری از زمان سقوط رئیس جمهور پیشین آن (عسگر آقای ف) که خود چهره فرهنگی بود- نمایندگی فرهنگ نداشته و اکنون نیز ندارد. همچنین در ازبکستان که حدود ۴ میلیون تاجیک زندگی می کنند عملاً از خدمات فرهنگی ج.ا. ایران تنها بدلیل عدم وجود موافقت نامه فرهنگی بیند و کشور خبری نبوده و تنها در یکی دو سال اخیر اقدام های به صورت گرفته است. جمهوری اسلامی ایران در زمینه های تأسیس نمایندگی های سیاسی و فرهنگی، انجمن های دوستی، مؤسّسات ایران شناسی و مراکز آموزش زبان فارسی و نیز برگزاری هفته های فرهنگی در کشورهای آسیای مرکزی تلاش زیادی نموده است. میزان سفرهای خارجی رئیس جمهوری اسلامی ایران، پخش برنامه های رادیویی، همکاری های علمی دانشگاهی و تدریس زبانهای خارجی از جمله فعالیت های جمهوری اسلامی ایران می باشند. زبان فارسی و مهاجران خارجی.

منابع

الف (فارسی

۱. آدمی، علی، مهسا نوری (۱۳۹۲)، «دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۳، پاییز، صص ۲۷.
۲. پارمر، ایندرجیت، میشل کاکس (۱۳۹۰)، *قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا (دیدگاه‌های نظری، تاریخی و جدید)*، ترجمه: جواد علی‌پور، انتشارات امام صادق (ع).
۳. حسن خانی، محمد (۱۳۸۴)، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، *دو فصلنامه دانش سیاسی*، شماره دوم، صص ۱۴۸-۱۳۵.
۴. حسن خانی، محمد (۱۳۸۶)، *نقش فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در طراحی و پیشبرد دیپلماسی؛ با تأکید بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا*. مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست.
۵. حقیقی، رضا (۱۳۸۶)، *فرهنگ و دیپلماسی* (در آیین‌های دیپلماسی فرهنگی اتحادیه‌ی اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران)، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۶. دهشیار، حسین (۱۳۸۵)، «چارچوب تئوریک نظام بین‌الملل و منافع ملی»، *پژوهش حقوق و سیاست*، سال هشتم، شماره‌ی ۲۰، بهار و تابستان، صص ۷۴-۵۳.
۷. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه (۱۳۷۸)، *کتاب قزاقستان*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات.
۸. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه (۱۳۷۴)، *تاجیکستان*.
۹. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۸۷)، *کتاب سبز قرقیزستان*. تهران: چاپ اول، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، بهار.
۱۰. رابینسون، ر (۱۳۴۷)، *جمهوری اول تکالینرکیه* ترجمه‌ی ایرج امینی. کتابفروشی تهران، تهران.
۱۱. زیرک، عیسی (۱۳۷۶)، *شناسنامه فرهنگی ترکمنستان*، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، اداره کل فرهنگی و آسیا و اقیانوسیه، خردادماه.
۱۲. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (فروردین ۱۳۸۲)، *مجله‌ی چشم‌انداز*.
۱۳. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۳۹۰)، *نمایه ۹*، ترکمنستان، معاونت بین‌الملل، مرکز بین‌المللی تبلیغ، پاییز.
۱۴. سازمان فرهنگ و تبلیغات اسلامی (۱۳۷۸)، *طلایه*، نگاهی به وضعیت فرهنگی تبلیغی ازبکستان.
۱۵. شکوهی، سعید (۱۳۹۰)، *بررسی مؤلفه‌های دکترین عمیق استراتژیک داوود اوغلو*، سایت بررسی استراتژیک، بازیابی شده در: <http://strategicview.org/1390/02/25>
۱۶. شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۸۵)، *دیپلماسی فرهنگی آمریکا و فرانسه. فصلنامه‌ی علوم سیاسی*، سال نهم، شماره‌ی سی‌وششم، زمستان، صص ۳۵۶-۳۴۹.
۱۷. عابدینی، محمد-حسین (۱۳۸۴)، *فعالیت‌های فرهنگی دولت‌های خارجی در آسیای مرکزی. ماهنامه‌ی ایراس*، شماره‌ی ۴.
۱۸. مرجانی‌نژاد، احمد (۱۳۹۱/۱۲/۱۰)، *دیپلماسی دینی در ترکیه*، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بازیابی شده در: www.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid.
۱۹. ملکیان، محسن (۱۳۹۱)، «روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال پنجم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان، صص ۱۱۴-۹۵.

۲۰. نقدی نژاد، حسن و پورابراهیم، ناصر (۱۳۸۸)، «بررسی سیاست‌های ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، زمستان، صص ۳۳-۵۸.

۲۱. نوروزی، نورمحمد (۱۳۷۹)، «تقابل ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره‌ی ۲۹، بهار ۱۴۶-۱۱۳.

۲۲. واعظی، محمود (۱۳۸۶)، *ژئوپلتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز*، (بنیان‌ها و بازیگران)، تهران: وزارت امور خارجه.

(ب) انگلیسی

1. Kalin, i. (2008), "*Turkey and the Middle East: Ideology or Geopolitics?* Private View, No.13, autumn, 193-207.

2. Malone, G.D. (1998), *Political Advocacy and Cultural Communication: Organizing the Nation's Public Diplomacy*. University Press of America.

3. Nye. Joseph(2004), *Soft power: The Means To Success in Word of Politics* , New York: public Affairs 2004.

4. Nye. Joseph (2005), *Soft Power and Higher Education*, New York : Harvard University.

5. Nye. Joseph S(1990) *Bound To Lead: The changing Nature of American power*" , New York:Basic Books.